

همانطور که می‌دانید ارز یابی های اولیه نشان می‌داد **داعش گروه ضعیفی است** ولی بعد از حملات تروریستی پاریس معلوم شد **آنگونه که تصور می‌شد**، این گروه ترور یستی خیلی هم ضعیف عمل نمی‌کند و به عبارتی خود را با محیط وفق داده و قدرت مانور خود را افزایش داده است. ارز یابی نان از قابلیت‌ها و توانایی های داعش چیست؟

اولین فاکتور در ارزیابی قدرت داعش این است که این گروه دارای یک لایه امنیتی، نظامی و تبلیغاتی صرف نیست بلکه شامل مجموعه‌ای از لایه‌های امنیتی، اقتصادی، اطلاعاتی، فکری و حتی فقهی است. لذا اگر قرار باشد با یکی از این ابزارها با این گروه تروریستی مبارزه کنیم نتیجه خاصی در پی نخواهد داشت. همچنانکه حملات ۱۴ ماهه جنگنده‌های ائتلاف به رهبری امریکا نشان داد که تنها با حمله هوایی نمی‌توان این گروه را نبود کرد. شاید برخی این فرض را مطرح کنند که چون امریکا و متحدانش در مبارزه با داعش جدی نبودند نتوانستند نتیجه مطلوبی کسب کنند. جدی نبودن ائتلاف و برخی کشورها در نبرد با داعش و حتی قطعنامه‌هایی که شورای امنیت سازمان ملل صادر کرده است یکی از دلایل است و این مسئله چند بعدی است و نمی‌توان تنها با یک بعد با آن مقابله کرد. از این‌رو، با گذشت چند سال از پدید آمدن این هیولای وحشی، امکان مبارزه با آن کمتر است.

اصلا داعش محصول وبر آیند چیست؟ چه عواملی در شکل گیری این گروه نقش داشته‌اند؟ در این مورد فرضیه‌های مختلفی مطرح است از جمله اینکه داعش ساخته و پرداخته امریکایی‌ها و غرب است و آنها برای دستیابی به اهدافشان در منطقه این گروه را ایجاد کرده‌اند. یک فرضیه دیگر این است که داعش حاصل سرخوردگی جریان‌های تکفیری در جوامع مسلمان ولی سکولار مثل عربستان و مصر است. به نظر تان کدامیک از این فرضیه‌ها درست است؟

عوامل پیدایش داعش با عوامل گرایش به داعش متفاوت است. پیدایش داعش یک طراحی اطلاعاتی، سیاسی و نظامی است. گرایش به داعش توسط جوانان مسلمان در سایر کشورها و حتی در اروپا، امریکا و روسیه انجام می‌شود. پشت تأسیس داعش که سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی قرار دارند آنها در مورد پیدایش داعش صحبت می‌کنند. اما در مورد گرایش داعش، من در یک تقسیم‌بندی‌ای که داشتم، ریشه‌های گرایش به این گروه را بررسی کردم. اول، در کشورهای غیر اسلامی عامل تبعیض وجود دارد و جوانان مسلمان که این سیاست‌های تبعیضی را مشاهده می‌کنند چه در داخل نسبت به مسلمانان و چه خارجی‌های مقیم کشورها ی اروپایی و چه تبعیضی که بین مسلمانان و دیگران در سطح قدرت‌های بزرگ وجود دارد را مشاهده می‌نمایند به سمت این گروه‌ها گرایش پیدا می‌کنند. دوم، وقتی مسلمانان، اشغال فلسطین، حمله به افغانستان و عراق را می‌بینند به سمت داعش جذب می‌شوند.

سوم، در سطح کشورهای اسلامی نظام‌های دیکتاتوری را می‌بینند. داعش به اجزاء اظهار نظر به مردم و امکان حضور مردم در سرسروش خودش را نمی‌دهد زمینه را برای چنین روندی فراهم می‌کند. دیکتاتوری‌ها در کنار تبعیض و اشغال دست به دست هم می‌دهند و زمینه گرایش به این گروه‌ها را فراهم می‌کنند. چهارمین دلیل نابسامانی اقتصادی و فرهنگی در جوامع اسلامی است، از این جهت که بیکاری و فساد در جامعه وجود دارد. ناکارآمدی دولت‌ها در سطح منطقه از جمله عوامل دیگری است که در این امر مؤثر است.

کسانی که داعش را یک طراحی غربی از پیش تدوین شده می‌دانند به پیدایش داعش نگاه می‌کنند. افرادی که عوامل اقتصادی و سرخوردگی را مدنظر قرار می‌دهند به عوامل گرایش به داعش توجه دارند. بخشی از پیدایش داعش طراحی نیست بلکه ناشی از وضعیت اقتصادی است. مثلاً برخی افراد هستند که خود را عالم فکری می‌دانند و اندیشه‌های تکفیری داشته و نسبت به دیگران نگاه حذفی دارند. معلوم می‌شود که در برخورد با فکر مخالفت امکان تعایش (همزیستی متقابل) برایشان فراهم نیست. اگر مصاحبه برخی علما که فظ طراحی اندیشه‌های تکفیری هستند را مطالعه کنید متوجه می‌شوید که دیگران را دارای اندیشه انحرافی می‌دانند و معتقدند که باید با آنها مبارزه کرد.

اخبار اشتنون کار تر، وز بر دفاع امریکا گفته است اعراب به جای حمله هوایی وارد فزاز زمینی در سوریه شوند تا نتیجه بهتری بگیرند. به نظر تان چرا امریکا در پی ورود مستقیم تر اعراب در منطقه است؟

در این مورد همه اتفاق نظر دارند که تنها بمباران هوایی برای نابودی داعش کافی نیست و این مسئله تنها در ائتلاف ضد داعش که در جدی بودن آن در مبارزه با داعش تردید است وجود ندارد بلکه در بین آنهایی که در مبارزه با تروریست‌ها جدی هستند نیز وجود دارد. مثلاً عربستان در مبارزه با انصارالله و مردم یمن جدی بود ولی حملات هوایی هشت ماهه عربستان و متحدانش در یمن نشان داد که این حملات چندان کارایی نداشته‌است. رژیم صهیونیستی نیز در مبارزه با مردم غزه، لبنان و حزب‌الله جدی بود ولی بمباران هوایی به تنهایی در رسیدن این رژیم به اهدافش کافی نبود. بمباران هوایی بدون پشتیبانی زمینی ممکن نیست.

من می‌خواهم فراتر از این را بگویم که اساساً جنگ با داعش و تروریسم به تنهایی به نابودی تروریسم منجر نمی‌شود و باید سایر عوامل پیدایش و گرایش به آن را پیدا کنیم و به تناسب آن راه‌های مبارزه را مورد بررسی قرار دهیم. طرحی که من قبلاً ارائه دادم این بود که در مبارزه بسا داعش به عنوان یک پدیده فرامنطقه‌ای باید به یک راه‌حل فرامانی هم نگاه کرد. من در مقاله‌ای که تحت این عنوان منتشر کردم گفته بودم که یکی از راه‌های مبارزه با داعش الگویی از ابتکار امام علی (ع) در مبارزه با خوارج است و آن نقش بیدارگری و روشنگری است. خوارج نزدیک به ۱۲ هزار نفر بودند که مقابل امام علی(ع) ایستادند ولی با روشنگری‌ای که ایشان انجام دادند ۸ هزار نفر از آنان بر گشتند و از خوارج جدا شدند.

اگر ما فکر کنیم جوانانی که بر اثر اشتباه به این گروه گرایش پیدا کرده‌اند را می‌توانیم با مبارزه نظامی از بین ببریم راه درستی نیست و این فراتر از این است که مبارزه زمینی را به مبارزه هوایی ضمیمه کنیم. منتها در نیت کسانی که این موضوعات را مطرح می‌کنند صرفاً بعد مبارزه با داعش مدنظر قرار گرفته‌است ولی باید ابعاد دیگر را نیز در نظر بگیریم. ابعاد دیگر این است که از وضعیت پیش آمده برای بهره‌گیری در سوریه استفاده کنیم. تفاوت کاری که روسیه، ایران و حزب‌الله انجام می‌دهند با روشی

گفت‌وگو با دکتر حمیدرضا دهقانی معاون اداره اول خاورمیانه وزارت خارجه

پیدایش داعش طراحی اطلاعاتی غرب است



عکس رسانه، عراقیان ایران

دکتر حمیدرضا دهقانی، معاون اداره اول خاورمیانه در وزارت خارجه و نماینده سابق ایران در سازمان همکاری اسلامی می‌گوید برای مبارزه با تروریست‌ها تنها استفاده از ابزار نظامی کافی نیست و باید همه ابزارهای نظامی، مالی و فرهنگی را به کار گرفت تا این پدیده را ریشه کن کرد. به گفته وی، قبل از حملات پاریس برخی این مسئله را غلو آمیز تلقی می‌کردند که تروریسم، جهانی است و بیشتر آن را به خاورمیانه محدود می‌کردند ولی حملات پاریس نشان داد که این مسئله جهانی است و همه باید در این راه همکاری کنند تا ریشه تروریسم را از بین ببرند.

برای بررسی تحولات سوریه و راه‌های تقابل با تروریسم با دکتر دهقانی به گفت‌وگو نشستیم تا به سوالاتی در این زمینه پاسخ دهد.

روح‌الله صالحی

رخدادهای چند سال اخیر و گسترش پدیده تروریسم در تمامی نقاط جهان بیش از پیش موجب نگرانی افکار عمومی شده و به همین دلیل مقابله با این پدیده باید در دستور کار مقامات کشورها و نهاد‌های بین‌المللی قرار گیرد. تروریسم، دیگر پدیده‌های منحصر به خاورمیانه به خصوص سوریه، عراق، یمن و لیبی نیست. سقوط هواپیمای روسی در سبئنا ممر، حادثه تروریستی در لبنان، حادثه تروریستی در پاریس و همچنین حادثه تروریستی در کشور مالی نشان داد که تروریسم به خطری جهانی تبدیل شده است و مرز مشخصی ندارد. حملات پاریس که به کشته و زخمی شدن ۲۵۰ منجر شد نشان داد که حامیان این گروه‌های تکفیری نیز از تهدیدات این گروه‌ها در امان نیستند و برای نابودی پدیده شوم تروریسم باید همه دست به کار شوند.

که دیگران انجام می‌دهند این است که ما با مجوز دولت

سوریه وارد این کشور شدیم و حضور مستشاران و نقش روس‌ها مداخله هوایی دارند.

دیگران اگر بخواهند با داعش مبارزه کنند باید از دولت سوریه اجازه بگیرند در این صورت امکان پذیر است. در غیر این صورت، می‌توان در نیت آنها در نبرد با تکفیری‌ها تردید کرد که این حضور برای چیست.

الان بحران سوریه با توجه به ورود همه‌جانبه روسیه وارد فاز جدیدی شده است و حتی برخی معتقدند که امریکایی خواهد تعهدات

آنهاست.

در بحث مبارزه با تروریسم باید مردم کشورها درباره سرنوشت و آینده کشورشان تصمیم بگیرند و نقش دیگران باید تسهیل کننده باشد. به نظر می‌رسد اگر اروپایی‌ها بدون مجوز دولت و مردم سوریه وارد این کشور شوند مشروعیت این کار زیر سؤال می‌رود و اگر بدون هماهنگی با سایر کشورهای ذی‌نفع در سوریه وارد شوند موفقیت چندان نخواهند داشت.



خود در خاورمیانه را کاهش دهد و اروپایی‌ها نیروهای زمینی روسیه نیز وارد عمل شده‌اند. بحث‌هایی هم در مورد ورود جدی تر اروپا به بحران سوریه به خصوص پس از حملات پاریس مطرح شده است. از آنجا که امریکا چندان تمایلی به ورود زمینی به سوریه ندارد، به نظر تان اروپایی‌ها تا چه حد ظرفیت ورود به سوریه را دارند؟

در باره مبارزه با داعش در سوریه و عراق دو مطلب وجود دارد. یکی مشروعیت انجام این کار و دیگری امکان مبارزه است. در مورد مشروعیت، قطعنامه‌های بین‌المللی می‌توانند مجوز مبارزه با تروریسم را صادر کنند ولی این به معنای نفی حاکمیت این کشورها نیست و اگر اجازه ورود از طرف این دولت‌ها گرفته شود این مانع هم برطرف می‌شود. بحث دوم امکان مبارزه است، به نظر می‌رسد امریکایی‌ها از ورود به افغانستان عراق این درس را گرفته‌اند که یکجانبه‌گرایی به حل موضوع نمی‌انجامد.

الان وقتی می‌گوییم یکی از علل گرایش به تروریسم و افراط‌اشغالگری است پس این خود یکی از تبعات

نادرست گذشته بوده است. اوپاما در زمان روی کار آمدن شعار تغییر را داد و بروز و ظهور تغییر در این بود که می‌گفت من به اصطلاح نیروهای امریکایی را از افغانستان و عراق خارج می‌کنم. بنابراین تجربه گذشته

مانع از این می‌شود که حداقل امریکایی‌ها در این فرصت کوتاهی که تا انتخابات دارند وارد سوریه شوند. نمونه دیگر در لیبی بود که ناتو وارد شد و مرتکب یک

خطا شدند و الان وضعیت نابسامان و رشد روز افزون

تروریسم در این کشور ناشی از خطای استراتژیک

برخی می‌گویند کاهش توجه امریکایی‌ها به خاورمیانه ناشی از این است که وابستگی غرب به انرژی منطقه کاهش پیدا کرده ولی امریکایی‌های خاورمیانه منابع انرژی خاورمیانه حتی حضور و نفوذشان در منطقه بتوانند موازنه‌ای در روابطشان با اروپا و شرق آسیا باشد نمی‌توانیم بگوییم که به‌طور کلی از منطقه چشمپوشی کرده‌اند

ابزار نظامی استفاده کنیم و آن را به عنوان برگ برنده در نظام بین‌الملل مطرح می‌کردند و از این‌رو، دو جنگ علیه افغانستان و عراق به راه انداختند. یکی دیگر از ابعاد تغییر در سیاست اوپاما، تغییر در استفاده از حربه نظامی در سیاست خارجی و دیگری کستن از تمرکز بر سیاست و افزایش تمرکز بر اقتصاد بود. یک بعد دیگر کاهش تمرکز بر خاورمیانه و توجه به سایر مناطق جغرافیایی به ویژه رشد روزافزون چین و بازیابی قدرت روسیه بود.

نفوذشان در منطقه بتوانند موازنه‌ای در روابطشان با اروپا و شرق آسیا باشد نمی‌توانیم بگوییم که به‌طور کلی از منطقه چشمپوشی کرده‌اند. باید این نکته را در نظر داد ولی موفق نبود. به دلیل اینکه اصل این کمیته‌ها بدون توافق بود، دعوت به این کمیته‌ها بدون توافق بود و این دعوت‌ها برای همه کشورها نبود و موفقیتی نداشت. لذا در وین ۲ قرار شد در مورد گروه‌های تروریستی کمیته‌ای تشکیل شود و این شاننامایی شوند. در مورد داعش، جبهه النصره و القاعده اختلاقی نیست و اختلاف تنها در مورد شیوه‌های است که ما معتقدیم این زیرمجموعه‌های گروه‌های تروریستی و منشعبان آنها هستند ولی برخی معتقد نیستند با دنبال نام‌های دیگری هستند. در مورد گروه‌های معارض نیز این بحث وجود دارد که آنها چه گروه‌هایی هستند. در مورد معارضان نیز ما معتقدیم که اگر این افراد سلاح را کنار بگذارند می‌توانند وارد روند سیاسی شوند، چراکه مسلح بودن روند سیاسی حساب نمی‌شود. بنابراین تروریست‌ها قابل تمیز به خوب و بد نیستند و این گروه‌ها در همه جا محکوم و منفر هستند.

دارند ولی برخلاف گفته‌های آنها بشمار اسد اخیراً در مصاحبه خود با یک روزنامه چینی گفته است که نامزدی در انتخابات آتی حق وی است و اگر مردم بخواهند در انتخابات شرکت می‌کند. با توجه به توافقات صورت گرفته در وین این امکان برای اسد وجود دارد که وارد کارزار انتخابات شود؟

ما در نشست وین ۲ و مذاکرات دوجانبه‌ای که با اروپایی‌ها داشتیم همواره بر این اصل اساسی تأکید کردیم که آینده سوریه توسط مردم این کشور رقم می‌خورد و تنها آنها هستند که درباره سرنوشت خودشان تصمیم می‌گیرند و اگر قرار باشد که دیگران در امور آنها مداخله کنند سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و امکان تداوم جامعه جهانی توأم با امنیت و ثبات دیگر وجود نخواهد داشت. بنابراین در ترسیم آینده سوریه یکی از مباحث اصلی آینده نظام سیاسی این کشور است. این مردم هستند که باید بگویند چه کسی باید حکومت کند و چه کسی نباید کاندیدای ریاست جمهوری باشد. اعمال فشار خارجی به اینکه چه کسی در قدرت باشد به ادامه ناامنی و بی‌ثباتی در سوریه کمک می‌کند و به ایجاد صلح کمک نمی‌کند. کسانی که معتقدند مردم سوریه باید تصمیم نهایی را در این زمینه بگیرند این گروه از کشورها به روند صلح کمک می‌کنند و این دیدگاه جزئی از راه‌حل است.

همانطور که می‌دانید در نشست وین قرار شده لیستی از مخالفان انتخاب شود تا تروریست‌های بد و خوب از هم جدا شوند ولی لیست اولیه مطابق نظر غرب نبود و قرار است لیست جدید ارائه شود اما ممکن است همین گروه‌ها با نام‌های جدید و به عنوان معارض در نظر گرفته شوند. در نهایت چه گروه‌هایی در لیست جدید منتشر خواهند شد؟ آیا اصلاً گروه‌های معارض آنگونه که غربی‌ها می‌گویند وجود دارند؟

قطعنامه‌های ۲۱۲۰ و ۱۹۹۰ به‌طور مشخص از سه گروه در سوریه نام برده‌اند. اول، داعش و زیرمجموعه‌های آن، دوم، جبهه النصره و تمام گروه‌های وابسته به آن و سوم تمامی گروه‌هایی که مرتبط با القاعده هستند جزو گروه‌های تروریستی‌اند. وظیفه هر جمع و کنفرانسی این است که مر تبیین با القاعده، داعش و النصره را شناسایی کند و هر گروهی که زیرمجموعه اینها قرار می‌گیرد تروریست است. همین‌انکه گروه‌هایی که از اروپا، چین و امریکا وارد سوریه می‌شوند تروریست هستند. مگر می‌شود یک نفر از سایر مناطق به سوریه بریاید و سلاح به دست بگیرد و با دولت و مردم سوریه جنگ کند و اسم آن را معارض گذاشت. اما در مورد تفکیک بین اینها در وین ۲ بحثی وجود نداشت و سه کمیته تشکیل شده بود تا این گروه‌ها را شناسایی کند.

یک کمیته مسئول شناسایی تروریست‌ها بود، گروهی دیگر مسئول شناسایی گروه‌های معارض و گروه سوم مربوط به شناسایی مباحث بشر دوستانه بود. این کمیته‌ها به دلیل اینکه بدون هماهنگی با کشورهای حاضر در وین ۲ تشکیل شده بود و به خاطر عدم دعوت از همه کشورها و عدم حضور برخی کشورها اگر چه جلساتی تشکیل داد ولی موفق نبود. به دلیل اینکه اصل این کمیته‌ها بدون توافق بود، دعوت به این کمیته‌ها بدون توافق بود و این دعوت‌ها برای همه کشورها نبود و موفقیتی نداشت. لذا در وین ۲ قرار شد در مورد گروه‌های تروریستی کمیته‌ای تشکیل شود و این شاننامایی شوند. در مورد داعش، جبهه النصره و القاعده اختلاقی نیست و اختلاف تنها در مورد شیوه‌های است که ما معتقدیم این زیرمجموعه‌های گروه‌های تروریستی و منشعبان آنها هستند ولی برخی معتقد نیستند با دنبال نام‌های دیگری هستند. در مورد گروه‌های معارض نیز این بحث وجود دارد که آنها چه گروه‌هایی هستند. در مورد معارضان نیز ما معتقدیم که اگر این افراد سلاح را کنار بگذارند می‌توانند وارد روند سیاسی شوند، چراکه مسلح بودن روند سیاسی حساب نمی‌شود. بنابراین تروریست‌ها قابل تمیز به خوب و بد نیستند و این گروه‌ها در همه جا محکوم و منفر هستند.

حضور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در نشست ایک‌گازی چه پیام‌هایی داشت؟

نشان داد که ایران از مرحله تحریم گذشته است. وقتی این تعداد از سران کشورها که آینده انرژی جهان را می‌خواهند تأمین کنند، به ویژه قدرت‌های اصلی گاز روسیه، ایران را قطر و سایرین در این نشست حاضر شدند اهمیت و جایگاه ایران را نشان داد. این اجلاس اولانشان از دوران جدیدی برای ایران است که در آن تحریم‌های ایران برداشته شده است. ثانیاً، نشان داد که آینده بحث انرژی و آینده اقتصاد جهان بدون حضور ایران امکان‌پذیر نیست و هر گونه ترسیم آینده انرژی جهان نمی‌تواند بدون حضور ایران انجام شود.

از سوی دیگر، پیام سیاسی این نشست در ارتباط با سوریه و عراق این است که با توجه به اینکه عراق جزو کشورهای دارای گاز و نفت است اما ما در آینده در سطح منطقه می‌توانیم چارچوب‌های جدیدی برای همکاری‌های اقتصادی ایجاد کنیم. پیش‌زمینه‌های انجام این کار این است که در سطح منطقه و به ویژه عراق و سوریه آرامش داشته باشیم و این مستلزم این است که مبارزه با تروریسم را ادامه دهیم و این نشان می‌دهد بحثی را که مبارزه با تروریسم را ادامه دهیم و پیوند روسیه و ایران به جدایی منجر خواهد شد ولی وقتی با بحث اقتصادی پیوند می‌خورد این احتمال کمتر می‌شود و درصد موفقیت این الگو بالاتر می‌رود.

پس از تأیید تروریستی بودن سقوط هواپیمای روسیه در صحرای سینیا پوتین دستور داد تا حملات علیه تکفیری‌ها در سوریه تشدید شود و حتی وعده داد که انتقام سختی از تروریست‌ها خواهد گرفت. تا توجه به این اوصاف، به نظر تان روسیه در نهایت برای نابودی تروریست‌ها نیروهای زمینی خود را وارد عمل خواهد کرد؟

از ابتدا بحث بر سر این بود که اثرش سوریه ستون فقرات هر گونه اقدام زمینی را تشکیل دهد و شاید در آینده شاهد این وضعیت باشیم که روسیه ناچار شود نیروی زمینی را وارد کند ولی فکر می‌کنم که هنوز این امید است که بدون حضور نیروی زمینی خارجی و با همکاری‌ای که بین سوریه، ایران و روسیه وجود دارد در سوریه این مبارزه به نتیجه برسد.

در پایان ارزیابی تان از تحولات آتی سوریه چیست؟

من معتقدم در سوریه دو مشکل وجود دارد. یکی اختلاف بین دولت و معارضان درباره ساختار آتی سوریه در مورد نحوه و کیفیت اداره کشور است. از طرفی، زمان از ابتدا دست به سلاح نمی‌برند و تروریست‌ها وارد سوریه نمی‌شدند اگر کشورهای خارجی مداخله منفی در این بحران نمی‌کردند امکان تفاهم بین معارضان و دولت دمشق خیلی زود انجام می‌شد و خسارت‌های جانی و مالی به وجود نمی‌آمد. راه‌حل این اختلاف این است که دو طرف با یکدیگر بنشینند و به توافقی سیاسی برسند و دیگران نیز باید در این مسیر تسهیل‌کننده باشند و به روند سیاسی کمک کنند. مشکل دوم که به مراتب بزرگ‌تر است و نه تنها منطقه بلکه جهان را تهدید می‌کند بحث تروریسم است. شاید قبل از حملات پاریس برخی این مسئله را غلوآمیز تلقی می‌کردند که تروریسم جهانی نیست و بیشتر آن را به خاورمیانه محدود می‌کردند ولی حملات پاریس نشان داد که این مسئله جهانی است و همه باید در این راه همکاری کنند تا ریشه تروریسم را بخشانند.

